



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: میراث الأزواج / يشترط أن تكون المرثة في حبال الزوج.

یکی از آقایان چند مطلب درباره مسئله توارث زوجین و عدم ارث متعه نوشته اند، به این بیان که؛ شما فرمودید در مسئله توارث زوجین توارث منحصر در عقد دائم می باشد و هر چند که ظهور آیه بنحو الإطلاق مشمول دائم و موقت بود لکن فرمودید که اخبار صحیحه دال بر عدم ارث زوجه موقته که مورد عمل فقهاء ما نیز هستند مخصوص عموم آیات می باشند، (یکی از کسانی که خیلی به اخبار و عمل فقهاء توجه دارد آیت الله خوئی می باشد که در منهاج الصالحین اینطور فرموده: «مسألة ۱۷۸۴: يشترط في التوارث بين الزوجين دوام العقد فلا ميراث بينهما في الانقطاع كما تقدم... إلى آخر كلامه الشريف»^۱)، و بعد فرمودید قاعده "المؤمنون عند شروطهم" نیز در اینجا جاری نیست، البته ما نگفتیم جاری نیست بلکه گفتیم شامل نیست و این دو با هم فرق دارند، ما گفتیم شامل نیست زیرا قاعده "المؤمنون عند شروطهم" چند شرط داشت من جمله اینکه مخالف کتاب و سنت نباشد، منافی مقتضای عقد نباشد و از شروطی که أحل حراما أو حرم حلالا نباشد، خب در کتاب الله ارث برای افراد خاصی مشخص شده که نسباً و سبباً معلوم هستند حالا ما نمی توانیم برای شخصی که در کتاب الله ارثی برای او ذکر نشده و همچنین روایات هم می گویند ارث نمی برد و در واقع بیگانه است ارث قرار بدهیم و اگر چنین کاری کنیم با کتاب و سنت مخالفت کرده ایم پس باید بگوئیم قاعده شرط شامل ما نحن فيه نمی شود. ایشان در ادامه فرمودند در مانحن فيه حد

اقل دو خبر صحیح (خبر ۵ از باب ۳۲ و خبر ۲ از باب ۱۷ از ابواب میراث الأزواج) وجود دارد که در آنها تصریح شده که در صورت اشتراط در نکاح انقطاعی زوجین از یکدیگر ارث می برند، بله منتهی این دو خبر با اخبار کثیره ای معارض بودند که خبر صحیح در آنها زیاد بود بعلاوه فقهاء ما اکثراً به همین اخبار کثیره عمل کرده اند فلذا اگر دو خبر مذکور معارض نداشتند ما آنها را می پذیرفتیم منتهی آن اخبار کثیره هم أقوى دلالة هستند و هم مورد عمل مشهور اصحاب هستند به طوری که اصلاً آقای خوئی این دو خبر را بحساب نمی آورد و به سراغ شرط نمی رود. در آخر ایشان می فرماید اخباری که گفته اند متعه ارث می برند در واقع موافق با کتاب هستند چون شما فرمودید أزواج که در قران ذکر شده اعم است و هم شامل زوجه موقته و هم شامل زوجه دائم می شود حالا چرا ما این اخباری که موافق قران هستند را نباید تقویت و أخذ کنیم؟ جوابش این است که همان اول عرض کردیم که اخبار کثیره دال بر عدم ارث متعه که مورد عمل فقهاء نیز هستند عموم قران را تخصیص زدند لذا بعد از تخصیص مذکور دیگر مجدداً به سراغ قران نمی رویم بعلاوه گفتیم که آن دو خبر معارض دارند، این مشی ما در این مسئله بود و اما چون مسئله اجتهادی هست اگر کسی مشی دیگری دارد باید به اجتهاد خودش عمل کند.

خب و اما دو مسئله در ادامه بجمشان مطرح است؛ اول اینکه فقط در طلاق رجعی توارث وجود دارد اما فقهاء ما دو مورد را استثناء کرده اند؛ اول اینکه اگر مردی در حال مرض برای اینکه زنش از او ارث نبرد طلاقش بدهد ولو طلاق بائن، اگر این شخص از این مرض خوب نشد تا یکسال و بعد فوت کرد در این صورت اگر آن زن در آن یک سال ازدواج نکرده باشد از آن مرد ارث می برد، اینجا شارع مقدس از زن طرفداری کرده و خواسته که به او ضرری نرسد.

^۱ منهاج الصالحین، سید ابوالقاسم خوئی، ج ۲، ص ۳۷۱، مسئله ۱۷۸۴.

خب و اما مورد دومی که استثناء شده عکس مورد اول است یعنی مردی مریض است و می خواهد نفعی به زنی برساند لذا در همان حال مرض با او ازدواج می کند تا آن زن ارث ببرد، اخبار مربوط به این مورد در باب ۱۸ از ابواب میراث الأزواج ذکر شده که عنوان باب این است: «أن المریض إذا تزوج ودخل صح النکاح وثبت المیراث وان لم یدخل بطل ولا میراث بینهما».

خبر اول: ﴿محمد بن علی بن الحسین باسناده عن الحسن بن محبوب، عن أبي ولاد الحنات قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل تزوج في مرضه فقال: إذا دخل بها فمات في مرضه ورثته، وإن لم يدخل بها لم ترثه ونكاحه باطل﴾.^۵

خبر سندا صحیح است.

خبر دوم: ﴿محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب عن ابن بکیر، عن عبيد بن زرارۃ قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن المریض أله أن یطلق؟ قال: لا ولكن له أن یتزوج إن شاء، فان دخل بها ورثته، وإن یدخل بها فنکاحه باطل﴾.^۶

ابن بکیر فطحی المذهب است لذا خبر سندا موثق می باشد.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

صاحب وسائل اخبار مربوط به این مسئله را در باب ۱۴ از ابواب میراث الأزواج ذکر کرده که عنوان باب این است: «باب أن من طلق في المرض للاضرار بائنا أو رجعيا فإنها ترثه ما لم یبرء أو تتزوج أو تمضي سنة، ولا یرثها الا في العدة الرجعية».

خبر اول: ﴿محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد، عن فضالة، عن العلاء عن محمد بن مسلم، عن أحدهما علیهما السلام قال: إذا طلق الرجل امرأته تطليقتين ثم طلقها الثالثة وهو مریض فهي ترثه﴾.^۲

خبر دوم: ﴿وعنه عن ابن أبي عمير، عن جميل، عن أبي العباس، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا طلق الرجل المرأة في مرضه ورثته ما دام في مرضه ذلك وإن انقضت عدتها إلا أن یصح منه قلت: فإن طال به المرض قال: ما بینة و بین سنة﴾.^۳

چندین خبر در این باب ۱۴ نقل شده که مضمون همه آنها همین بود که عرض شد.

خبر سوم: ﴿وباسناده عن صالح بن سعيد، عن یونس، عن بعض رجاله، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته ما العلة التي من أجلها إذا طلق الرجل امرأته وهو مریض في حال الاضرار ورثته ولم یرثها؟ وما حد الاضرار علیه؟ فقال: هو الاضرار ومعنى الاضرار منعه إياها میراثها منه فألزم المیراث عقوبة. ورواه في (العلل) عن أبيه، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن صالح بن سعيد وغيره من أصحاب یونس، عن یونس، عن رجل شتی، عن أبي عبد الله علیه السلام مثله﴾.^۴

خبر مرسل به ابهام واسطه می باشد.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۳۲، ابواب میراث الأزواج، باب ۱۴، حدیث ۱، ط الإسلامية.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۳۳، ابواب میراث الأزواج، باب ۱۴، حدیث ۲، ط الإسلامية.

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۳۴، ابواب میراث الأزواج، باب ۱۴، حدیث ۷، ط الإسلامية.

^۵ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۳۷، ابواب میراث الأزواج، باب ۱۸، حدیث ۱، ط الإسلامية.

^۶ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۳۷، ابواب میراث الأزواج، باب ۱۸، حدیث ۲، ط الإسلامية.